



The role of educational models in preventing child abuse

Moslem ghobadiyan¹

Received: 2022/03/16
Date of acceptance: 2022/05/15
Article Type: Research

Abstract

Field and Aims: Children who are raped and exploited may face many psychological problems in the future, so teaching parents the right educational methods in order to make them aware of any intention can be necessary for preventing a part of damage.)The aim of this study was to investigate the role of educational models in preventing child abuse.

Method: This research is applied in terms of purpose and descriptive correlational in terms of method. The statistical population of this study consists of all children and teenagers under 18 years in Lorestan province. The sample of this study was 450 children and teenagers in Lorestan province who were selected by multi-stage cluster sampling. The data were collected using the Perceived Childhood Scale of Krolling et al. (1997) and Bernstein et al. (2003) Child Abuse Questionnaire. In this study, Pearson correlation and multiple regression were used to analyze the data by using SPSS software version 26.

Findings The analysis of the data showed that there is a negative and significant relationship between the mother's support of the child's autonomy, the mother's involvement with the child, the father's support of the child's autonomy, the father's involvement with the child with the dimensions of physical, sexual, neglect and emotional child abuse ($P \geq 0.001$). Also, the results of the regression coefficient in a step-by-step method showed that autonomy from the mother, autonomy from the father and involvement of the mother to the child predict 24% of the variance of child abuse in children and teenagers.

Conclusion: The need to inform parents about child abuse to ban and prevent it is felt more than ever, in this regard the role of educational authorities such as schools and the media is very important and it is necessary to provide the necessary educational programs for parents and children in this area.

Keywords: Educational model, child abuse, children and teenagers., Crime preventing.

*Citation (APA): Ghobadiyan, M. (2022). The role of educational models in preventing child abuse. *Police Criminological Researches*, 3(7), 47-70.
http://cr.jrl.police.ir/article_99170.html?lang=en

1. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran.
Email: mghobadiyan@yahoo.com



CC BY-NC-SA



نقش الگوهای تربیتی در پیشگیری از کودک آزاری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۴

نوع مقاله: پژوهشی

مسلم قبادیان^۱

چکیده

زمینه و هدف: کودکانی که مورد تجاوز و بهره کشی قرار می گیرند، در آینده نیز ممکن است با مشکلات روانشناختی متعددی مواجهه شوند بنابراین آموزش روش های تربیتی درست به والدین در جهت آگاهی بخشی نسبت به هرگونه قصد و نیت می تواند در پیشگیری بخشی از آسیب ضروری باشد. این پژوهش با هدف نقش الگوهای تربیتی در پیشگیری از کودک آزاری انجام شد.

روش: این پژوهش، از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال استان لرستان تشکیل می دهند. نمونه این پژوهش ۴۵۰ نفر از کودکان و نوجوانان استان لرستان بود که به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. برای گردآوری داده ها از مقیاس فرزندپروری ادراک شده نسخه کودکان کرولینگ و همکاران (۱۹۹۷) و پرسش نامه کودک آزاری برنشتاین و همکاران (۲۰۰۳) استفاده شد. در این پژوهش به منظور تحلیل داده ها از همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شد. داده ها با استفاده از نسخه ۲۶ نرم افزار SPSS تحلیل شدند.

یافته ها: تحلیل داده ها نشان داد که بین حمایت از خودمختاری فرزند از جانب مادر، اشتغال مادر به فرزند، حمایت از خودمختاری فرزند از جانب پدر و اشتغال پدر به فرزند با ابعاد کودک آزاری فیزیکی، جنسی، غفلت و هیجانی رابطه منفی و معنی داری وجود دارد ($P \leq 0.001$). همچنین نتایج ضریب رگرسیونی به شیوه گام به گام نشان داد که خودمختاری از طرف مادر، خودمختاری از جانب پدر و اشتغال مادر به فرزند ۲۴ درصد از واریانس کودک آزاری را در کودکان و نوجوانان را پیش بینی می کنند. **نتایج:** لزوم آگاه سازی والدین از کودک آزاری برای ممانعت و پیشگیری از آن بیش از پیش احساس می شود در این راستا؛ نقش مراجع آموزشی از قبیل مدارس و رسانه ها بسیار مهم بوده و ضرورت دارد تا برنامه های آموزشی لازم را برای والدین و کودکان در این حیطه تدارک ببینند. **کلید واژه ها:** الگوی تربیتی، کودک آزاری، کودکان و نوجوانان، پیشگیری از جرم.

*استاددهی (APA): قبادیان، مسلم. (۱۴۰۱). نقش الگوهای تربیتی در پیشگیری از کودک آزاری. پژوهش های جرم شناسی پلیس، ۳(۷)، ۴۷-۷۰.

http://cr.jrl.police.ir/article_99170.html

۱. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. رایانامه: mghobadiyan@yahoo.com



CC BY-NC-SA



مقدمه

کودک، لطیف ترین گل انسانیت است که اسلام نیز توجه ویژه‌ای به آن نموده است. از این رو، پدیده کودک آزاری پدیده‌ای است شوم که عواطف انسان‌ها را جریحه دار می‌کند. امروزه یکی از تأسف‌بارترین اخبار جهان، که دل هر انسانی را می‌لرزاند، افزایش آمار کودک آزاری است. در ایران نیز عوامل متعددی دست به دست هم داده‌اند تا روز به روز شاهد افزایش این پدیده باشیم (رشنو، ۱۴۰۰). کودکان به دلیل کم بودن سن و فقدان مهارت‌های لازم، همواره جزء آسیب پذیرترین اقشار جامعه هستند که توانایی محافظت و حمایت کامل از خود را نداشته به کمک بزرگسالان از جمله والدین خود نیاز دارند و در صورت عدم کفایت والدین، مسائل و مشکلاتی متعددی از جمله کودک آزاری توسط آنها رخ خواهد داد (موریس^۱ و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۳۰). پدیده کودک آزاری هرچند منحصر به زمان حال نیست و در تمامی جوامع و زمان‌ها مشاهده شده است، اما برای اولین بار توسط کمپ و همکاران او در سال ۱۹۶۲ به صورت «سندروم کودک کتک خورده» معرفی و پس از آن به تمام ابعاد این پدیده، توجه روزافزون شد (بارزیکا، دوزینسکی، رائو و لاوسون^۲، ۲۰۱۶). سازمان بهداشت جهانی، کودک آزاری را به عنوان «همه انواع بدرفتاری فیزیکی، عاطفی، سوءاستفاده جنسی و غفلت و استثماری (بهره‌کشی) که سبب آسیب رساندن جدی یا بالقوه برای سلامتی، بقاء، رشد یا کرامت کودکان در چارچوب یک رابطه مسئولیت، اعتماد یا قدرت، می‌شود» تعریف می‌کند که دارای چهار بعد کودک آزاری جسمانی، جنسی، عاطفی و غفلت می‌شود (کارسیا، لویز - گوایلز، مارکو و لی لا^۳، ۲۰۱۷: ۴۰).

کودک آزاری جسمانی شایع ترین نوع سوء استفاده و ساده ترین راه تشخیص کودک آزاری است. به طور کلی، سوء استفاده فیزیکی را می‌توان به عنوان «آسیب غیر تصادفی» در کودکان یا «سوء استفاده‌ای که موجب آسیب‌های بدنی مانند شکستگی، سوختگی یا بریدگی شود» تعریف کرد. شایع ترین شکل این نوع بدرفتاری، ضرب و شتم کودکان است که با آسیب‌های غیر تصادفی یا کبودی در کودکان مشخص می‌شود (ستین و اوزوزن دانسی^۴، ۲۰۱۶: ۱۲). همچنین ماش و ولف^۵ (۲۰۰۳)، اقدامات متعددی از قبیل مشت زدن، ضرب و شتم، کتک زدن، لگد زدن، گاز گرفتن، سوزاندن، تکان دادن و کارهای دردناک برای یک کودک را جزء کودک آزاری جسمی دانسته‌اند که این صدمه‌ها در بیشتر اوقات غیر عمدی است و در اثر یک انضباط بیش از حد به وجود می‌آید. کودک آزاری جنسی قسم بعدی کودک آزاری است که سازمان بهداشت جهانی آن را اینگونه تعریف کرده است: «دخاله یک کودک در فعالیت جنسی که او به طور کامل

1 Morris

2 Barczyk, Duzinski, Rao, & Lawson

3 Gracia, Lopez-Quilez, Marco, & Lila

4 Cetin, & Ozozen Danaci

5 Mash, & Wolfe



درک نمی‌کند، رضایت آگاهانه ندارد یا کودک به‌صورت فرآیند رشدی آماده نیست یا اینکه نقض قوانین و تابوهای اجتماعی جامعه است» (به نقل از همرنگ گبلو، قره داغی و نعمتی، ۱۳۹۹: ۳). همچنین آزار جنسی می‌تواند شامل نوازش کردن اندام‌های جنسی کودک، آمیزش (مقاربت)، زنا با محارم، تجاوز، لواط، عورت نمایی به کودک، بهره‌کشی تجاری و جنسی از طریق خودفروشی یا تولید فیلم‌های مستهجن باشد (موریس و همکاران، ۲۰۱۹: ۳). کودک آزاری عاطفی یا روانشناختی به عنوان یکی دیگر از اقسام کودک آزاری شامل: «ناتوانی مراقبت کننده در فراهم آوردن یک محیط دوستانه برای فرزند است (اعم از محدود کردن حرکت (جنبش) کودک، تهدید، تمسخر کردن، ارباب، تبعیض، طرد و سایر اشکال غیر فیزیکی رفتار خصمانه (که بر فرآیند رشد و سلامت کودک تأثیر می‌گذارد» (دالی^۱ و همکاران، ۲۰۱۶: ۳۰). کودک آزاری عاطفی در واقع آسیب رساندن به احساسات یک کودک، ترساندن یا به وحشت انداختن او و اجازه دادن به کودک جهت تماشای خشونت صورت گرفته به دیگر اعضای خانواده را نیز شامل می‌شود (رادفورد، گورال، برادلی و فیشر^۲، ۲۰۱۶: ۸۰۱). آخرین قسم کودک آزاری از نوع غفلت یا بی‌توجهی است که به‌عنوان ناتوانی مراقبت کننده در فراهم آوردن زمینه‌ها و عواملی از قبیل بهداشت، آموزش، رشد عاطفی، تغذیه، پناهگاه و ایمنی (امنیت) است که برای مطمئن شدن از رشد کودک، حیاتی هستند. همچنین کودک آزاری از نوع غفلت می‌تواند دربرگیرنده موقعیتهایی باشد که برای امن ماندن کودکان نظارت صورت نگیرد و یا برای مدتی طولانی، کودکان تنها گذاشته شوند (موریس و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۳۱).

سوءاستفاده از کودک یک معضل جهانی است و در زمینه و بافت‌های مختلف که انتظار داریم کودکان در این محیط‌ها به‌ویژه در خانواده، خانه، مدرسه و مؤسساتی که مراقبت از کودکان را ارائه می‌کنند ایمن و حفظ شوند، رخ می‌دهد (دالی و همکاران، ۲۰۱۶: ۳۲). که برای پیشگیری از آن بهترین کار توجه به علت‌های اصلی و افراد و مراجع مرتبط با آن پدیده است تا شناخت کافی از آن حاصل شود در این راستا؛ پژوهش‌ها نشان می‌دهند که «کودک آزاران در بیشتر موارد افرادی هستند که با کودک زندگی می‌کنند و عمدتاً والدین کودک را شامل می‌شوند و انعکاس وسیع و مکرر حوادث ناشی از سوء رفتار با کودک، بیانگر این مسئله است که کودک آزاری یک معضل اجتماعی فراگیر است که آثار و نتایج ناگواری به دنبال دارد» (همرنگ گبلو و همکاران، ۱۳۹۹: ۳). بنابراین نقش والدین و دیگر افراد در پیشگیری یا ایجاد پیامدهای کودک آزاری در زندگی کودکان که انبوهی از پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت فراوانی در ابعاد فیزیکی، جنسی

 فصلنامه علمی
پژوهش‌های
دانش خردپسندان

1 Daley
2 Radford, Corral, Bradley, & Fisher



و تناسلی و روانشناختی و رفتاری خواهند بود ضرورت مطالعه و توجه روزافزون به این معضل جهت آگاهی از دیدگاه‌های والدین را می‌طلبد تا ضعف‌های آگاهی آن‌ها مشخص شده و تمهیدات لازم توسط مراجع مرتبط با آموزش والدین و کودکان جهت جبران این ضعف آگاهی تدارک دیده شوند. علاوه بر موارد فوق، آمارهای موجود خارجی و داخلی نشانگر افزایش میزان شیوع کودک‌آزاری است که ضرورت مطالعات افزون‌تر برای آگاهی از علل و عوامل این افزایش شیوع احساس می‌شود.

از سوی دیگر انسان از جمله موجوداتی است که برای ادامه حیات خویش، و رشد و پیشرفت ناگزیر به سایر انسان‌ها وابسته است و به همین علت، روی به زندگی جمعی و نهادهای اجتماعی می‌آورد. در طول زندگی، جامعه‌پذیری در نهادهایی مانند خانواده، مدرسه و جز آن صورت می‌پذیرد. خانواده به عنوان کوچکترین نهاد، تشکیل دهنده اساس جامعه و حافظ روابط انسانی است. نحوه ارتباط اعضای خانواده و تعامل آنها با یکدیگر طوری است که محیط خانواده را برای تأمین نیازهای ضروری کودکان آماده می‌کند. هرگونه اختلال و نارسایی در عملکرد خانواده در بهنجار کردن فرزندان تأثیر نامطلوبی دارد (میرخلیلی، عسگری مروت و واحدی، ۱۳۹۷: ۲۱۴). امروزه در اکثر کشورهای توسعه یافته روی مراقبت و حمایت از فرزندان نظارت‌های ویژه‌ای صورت می‌گیرد و برای رفاه و آسایش والدین به منظور کمک به فرزندان توجه خاصی مبذول می‌شود (آجیل چی، برجلی و جان بزرگی، ۱۳۹۰). ارتباط نزدیک و مناسب با والدین می‌تواند زمینه‌ساز فراگیری مهارت‌های اساسی زندگی و الگوبرداری از رفتارهای مثبت آنها شود. به بیان دیگر، ارتباط اجتماعی بین والدین و فرزندان می‌تواند در جهت‌دهی به رفتار آنها مؤثر باشد؛ فرآیندی که کیم و اشنایدر^۱ (۲۰۰۵) از آن با عنوان «جهت‌دهی ارتباطی» یاد کرده‌اند. والدگری و تربیت فرزند نیاز به دانش و تمرین دارد، زیرا یک توانش است و آگاهی از خصوصیات نوجوان، آشنایی از مشکلات تربیت فرزند نوجوان و چالش‌های موجود نقش بسزایی در کیفیت والدگری دارد. آنچه پدر و مادر امروزی را درگیر کرده است، احساس درماندگی ناشی از نداشتن توانش رویارویی با فرزندان است که، دنیای پیچیده و ناشناخته‌ای دارند (صابری، بهرام پور، قمرانی و یارمحمدیان، ۱۳۹۳). والدگری مؤثر از نظر دالماس و رپ - پاگلیسی^۲ (۲۰۰۵) شامل مؤلفه‌هایی نظیر رابطه محبت‌آمیز با فرزندان، سطح بالای گرمی و پذیرش و سطح پایین انتقاد، استرس و پرخاشگری پایین خانواده، سطح بالای نظارت و کنترل، رابطه مثبت و حمایتی والد - فرزند، حضور همسر حمایتگر می‌باشد. در صورتی که والدگری غیرمؤثر شامل خشونت خانگی و

1 Kim, & Schneider

2 Dulmus, & Rapp-Paglicci



بدرفتاری با فرزندان، درگیری والدین، والدگری سختگیرانه و تماس اجتماعی و شبکه حمایت اجتماعی ضعیف را شامل می‌شود (بیاتو، پیرا، باروس و موریس^۱، ۲۰۱۶).

در مجموع براساس آمارهای دپارتمان خدمات بهداشتی و انسانی ایالات متحده آمریکا، تعداد و میزان کودکانی که طی فاصله سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ مورد قربانی قرار گرفته‌اند نوسان داشته است و از ۶۵۶۰۰۰ نفر در سال ۲۰۱۳ به ۶۷۴۰۰۰ نفر در سال ۲۰۱۷ تغییر یافته است که افزایش ۲/۷ درصدی را نشان می‌دهد و داده‌های سال ۲۰۱۷ میلادی نشان می‌دهد که ۷۴/۹ درصد این کودکان قربانی، مورد غفلت، ۱۸/۳ درصد مورد کودک آزاری جسمی و ۸/۶ درصد مورد کودک آزاری جنسی قرار گرفته‌اند. همچنین در این سال، حدود ۱۷۲۰ کودک در اثر سوء استفاده و بی‌توجهی یعنی ۲/۳۲ نفر در صد هزار کودک در جمعیت ملی مرده‌اند (بدرفتاری با کودک^۲، ۲۰۱۹). افزون بر این‌ها آمار دقیقی در مورد شیوع کودک آزاری در ایران وجود ندارد اما آمارهای غیررسمی حاکی از شیوع این پدیده در ایران دارد که در این راستا؛ مسعودی فرید، معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور در گفتگو با روزنامه سپید در مورد آمار کودک آزاری در ایران، گفت: «آمارهای ما در زمینه کودک آزاری همان آمارهایی است که از طریق اورژانس اجتماعی یعنی ۱۲۳ گزارش می‌شوند به این ترتیب در سال ۱۳۹۵ تعداد ۱۳ هزار تماس مربوط به کودک آزاری به سامانه ۱۲۳ گزارش شده است که پس از راستی آزمایی، وقوع کودک آزاری در حدود نیمی از آنها تأیید شده است» (همرننگ گبلو و همکاران، ۱۳۹۹: ۳). همه موارد مذکور توجه روزافزون و پژوهش‌های مرتبط با مسائل و مشکلات کودکان از جمله کودک آزاری را می‌طلبد. لذا از آنجایی که والدین بیشترین نقش و تأثیر را از جهت موفقیت و عدم موفقیت در تربیت کودکی شایسته را دارند این سؤال در ذهن‌ها ایجاد می‌شود که آنها دیدگاه‌های خود را در رابطه با کودک آزاری چگونه تشریح یا روایت می‌کنند بنابراین آگاهی از دیدگاه‌ها و باورهای آنها در رابطه با مسائل کودکان می‌تواند راهگشای ایجاد یک زندگی بهتر برای کودکان باشد. بنابراین سؤال اصلی این پژوهش این است که الگوهای تربیتی می‌توانند چند درصد از واریانس کودک آزاری را در کودکان و نوجوانان پیش‌بینی می‌کند؟

فصلنامه
پژوهش‌های
شناخت‌پژویی

1 Beato, Pereira, Barros, & Muris
2 Child Maltreatment



پیشینه و مبانی نظری

پیشینه

ژیونگ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی طولی از «اعتبارسازی والدین و بزهکاری در کودکان و نوجوانان چینی» به این نتیجه رسیدند که فرزندپروری مقتدرانه به صورت منفی بزهکاری کودکان و نوجوانان را پیش بینی می کند. علاوه بر این، مشکلات سلامت روانشناختی فرزندان، تأثیر همسالان نقش میانجی سبک فرزندپروری با بزهکاری است. در نهایت بزهکاری در کودکان با اعمال جرم و بزهکاری در آینده رابطه مثبت و مستقیمی دارد.

رودریگز، وانستنکیس، سونیس، سونیز و اولیوا^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی با هدف «چه موقع نظارت والدین مؤثر است؟ تحلیلی مبتنی بر شخصیت، نقش والدین در حمایت از خودمختاری و کنترل روانشناختی در نوجوانان مراجعه کننده و غیر مراجعه کننده به مراکز درمانی» این نتیجه رسیدند که والدگری منفی بر سازش یافتگی و مشکلات رفتاری درون نموده و برون نمود نوجوانان، تأثیر منفی دارد.

در همین راستا کاول، کانتنبرگ و آنانت^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی با هدف «خلق و خوی کودک و جامعه پذیری احساسات توسط والدین و تأثیر آن در تنظیم احساسات توسط کودکان» به این نتیجه رسیدند که پاسخ های مثبت به شیوه والدگری اقتدارگرا به احساسات منفی کودکان، باعث کاهش مشکلات رفتاری و افزایش سازش یافتگی و مسئولیت پذیری اجتماعی آنها می شود.

در پژوهشی که توسط پارسانا^۳ و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «مطالعه مروری آزاردیدگی جنسی و مسامحه کودکان» انجام دادند به این نتیجه رسیدند که بدرفتاری و تجربه هرگونه آزاردیدگی اولیه باعث استرس تروماتیک در کودکان می شود، که عمل هموستاز را در آنها مختل می کند و باعث تغییرات غدد درون ریز و طولانی مدت در متابولیسم و فیزیولوژی عصبی کودکان می شود. نتایج مطالعه حاکی از این بود ایجاد استرس حاد در قربانیان آزارهای جنسی مشکلات رشدی را در دوران کودکی، نوجوانی و بزرگسالی افزایش می دهد.

ساروار^۴ (۲۰۱۶) در پژوهشی با هدف «تأثیر الگوهای تربیتی والدینی در پیشگیری از مشکلات رفتاری- اجتماعی کودکان و نوجوانان» به این نتیجه دست یافت که سبکهای تربیتی والدینی و به خصوص سبک تربیتی مقتدرانه قوی ترین پیش بینی کننده پیشگیرانه مشکلات رفتاری- اجتماعی در فرزندان بود.

1 Rodríguez-Meirinhos, Vansteenkiste, Soenens, Oliva, Brenning & Antolín-Suárez,

2 Kaul, Konantambigi & Anant

3 Prasanna

4 Sarwar



وزینا، هربرت و پولین^۱ (۲۰۱۵) طی پژوهشی با هدف «تاریخچه خانوادگی خشونت خانگی و مشکلات رفتاری و رفتارهای مخاطره‌آمیز در نوجوانان دختر قربانی جرائم جنسی» در یک نمونه ۴۴۳ نفری که داده‌های آن با استفاده از پرسشنامه تجربه خشونت خانگی، مشکلات رفتاری، رفتارهای پرخطر و پرسشنامه جرائم جنسی فیزیکی، هیجانی جمع‌آوری شد به این نتیجه رسیدند که تجربه خشونت در خانواده، جامعه‌پذیری نامناسب، سطح پایین درک والدین، نظارت پایین والدین وجود تنش و اختلافات خانوادگی، وجود همسالان تأثیر معناداری بر بروز رفتارهای مخاطره‌آمیز (رانندگی در حال مستی، مصرف سیگار، مصرف الکل، مصرف مواد و بزهکاری) داشته است.

میرخلیلی، عسگری مروت و واحدی (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای با هدف «عوامل حفظ و توسعه سرمایه اجتماعی خانواده در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان» نشان دادند اگر سرمایه اجتماعی خانواده تضعیف شود طبق نظریه جرم‌شناختی «معاشرت ترجیحی» اطفال و نوجوانان از محیط خانواده فاصله گرفته و به گروه‌های بزهکارانه پناه می‌برند و این امر سبب می‌شود بسترهای ارتکاب جرم برای این دسته از اشخاص فراهم شود و در نتیجه طبق نظریه «یادگیری اجتماعی» افراد یاد شده با قرار گرفتن در محیط بزهکارانه، نحوه ارتکاب جرم را فراگیرند.

همرنگ گبلو، قره داغی و نعمتی (۱۳۹۹) در پژوهشی با هدف «مصادیق کودک‌آزاری از دیدگاه والدین: تحلیل محتوای کیفی» یافته‌های حاصل شده در قالب سه مقوله اصلی شامل مفهوم کودک‌آزاری، دامنه کودک‌آزاری و کمبودهای کودک‌آزاری بودند. دامنه آگاهی والدین مشارکت‌کننده، در رابطه با سه مفهوم جسمانی، عاطفی و غفلت کودک‌آزاری خوب بود، اما دیدگاه آنها در رابطه با کودک‌آزاری جنسی محدود بود و بیشتر روی جنبه‌های شناخته شده آن متمرکز می‌شد. تأکید آنها روی مرتفع کردن مشکلات اقتصادی و اجتماعی و راهکارهایی جهت افزایش محبت در خانواده‌ها بیانگر عمق توجه آنها به ریشه‌های این معضل جهت پیشگیری و کنترل آن بود. افزون بر اینها، ضریب آسیب‌پذیری کودکان در جامعه فعلی افزایش یافته است و به ویژه کودک‌آزاری جنسی حساسیت بیشتری را تولید کرده است.

مبانی نظری تعریف کودک‌آزاری

کودک‌آزاری شامل تجربه هر گونه آسیب جسمی، روانی، جنسی و رفتارهای اهماگرایانه یا خشونت قبل از سن ۱۸ سالگی توسط فردی که مسئولیت آسایش و رفاه کودک و نوجوان را بر

فصلنامه علمی
پژوهش‌های
روانشناسی
کودک



عهده دارد. به طوری که سلامت و آسایش کودک و نوجوان آزاردیده به خطر بیفتد؛ و این پدیده علاوه بر تأثیرات زیانباری که در حوزه‌های رشدی، شناختی، هیجانی و رفتاری بر جا می‌گذارد، سلامت روان فرد آزاردیده را نیز در بزرگسالی مورد تهدید قرار می‌دهد (گارسیا و همکاران، ۲۰۱۷: ۳۹).

رویکرد تضاد خانوادگی

مطابق برخی رهیافت‌های نظری رویکرد تضاد خانوادگی^۱، جامعه‌پذیری ناقص و آشفته بر کارکردهای روانی کودک تأثیر منفی بر جای می‌گذارد. رفتارهای آشفته والدین را می‌توان به اشکال مختلف احصاء کرد: ناهمسازی بین والدین: یعنی یکی از والدین به رفتار کودک پاسخ مثبت و دیگری پاسخ منفی می‌دهد. یا ناهمسازی می‌تواند درون والدینی باشد: یعنی این که یکی از والدین به یک رفتار کودک در زمانی پاسخ مثبت و در زمان دیگری پاسخ منفی می‌دهد. این محققان برای یافتن پاسخی برای این تعاملات ناسازگارانه بین والدین و کودکان به عواملی نظیر انزوای اجتماعی، حمایت اجتماعی و عوامل اقتصادی و اجتماعی توجه داشته‌اند. به عنوان مثال، والر^۲ (۲۰۰۲؛ چرتر، واترز، رد و گروس، ۲۰۱۸: ۹۰) بیان می‌کند که فقدان تبادلات حمایت‌آمیز مادران منزوی در درون اجتماع، باعث به وجود آمدن تعاملات نامناسب بین والدین و کودک می‌گردد. جدایی از روابط اجتماعی مثبت، رفتار حمایتی مادر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا مادران زمانی رفتارهای اجتماعی نامتعادل و ناهم‌ساز داشته‌اند، که درون اجتماع تبادلات خشونت‌آمیز و استبدادی با دیگران داشته‌اند. علاوه بر این، مادرانی که با سایر بزرگسالان رفتارهای اجتماعی ناموفق و آزاردهنده‌ای دارند، مشکلاتی هم نظیر فقدان امتیازات اجتماعی، اقتصادی و رنج‌های عاطفی نشان می‌دهند. افزون بر این، افرادی نظیر رایمون^۳ (۲۰۰۶؛ به نقل از پارسانا و همکاران، ۲۰۱۸) به تضاد زناشویی اشاره می‌کنند. تعاملات مثبتی نظیر میزان مشارکت، تعاملات هدایت‌کننده و توافق زناشویی می‌تواند نقش بارزی در جلوگیری از خشونت داشته باشند. در مقابل رفتارهای منفی، انتقاد زیاد از یکدیگر و تضاد زناشویی می‌تواند نقش قابل ملاحظه‌ای در بروز خشونت داشته باشد. تحقیقات مختلف نشان داده‌اند در خانواده‌هایی که سطح پرخاشگری شوهر علیه زن یا بالعکس افزون‌تر است، عمدتاً در برخورد با کودکان خود رفتارهای خشن و آزاردهنده‌ای به نمایش می‌گذارند

1 family conflict

2 Waler

3 Raymond



(رادفورد و همکاران، ۲۰۱۳: ۸۰۳). در مورد این که چگونه نظم در سطح خرد در کاهش خشونت علیه کودکان می‌تواند نقش بازی داشته باشد چلبی (۱۳۷۵)؛ به نقل از علیوردی نیا، حسنی و ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۸۴) عنوان می‌کند: در خانواده چهار مشکل وجود دارد که هر خانواده‌ای برای تداوم و بقای خود باید این مشکلات را به نحوی حل کند. این مشکلات عبارتند از: معیشتی، تمشیتی، معاشرتی و تربیتی.

G	A
تمشیتی	معیشتی
معاشرتی	تربیتی
I	L

شکل ۱. چهار بعد اصلی خانواده

بعد معیشتی مربوط به تأمین مایحتاج خانواده و نیازهای اقتصادی آن است. در بعد تمشیتی مسئله مدیریت خانواده مطرح است. در بعد معاشرتی مسئله روابط اعضای خانواده با همدیگر و گروه‌های بیرون از خانواده در دستور کار است. در بعد تربیتی مسئله آموزش تجارب، معارف و قواعد زندگی و کار بست آنها مطرح می‌شود. طبق نظر چلبی، اگر بخواهیم در خانواده خشونت کم شود در هریک از این چهار بعد معیشتی، تمشیتی، معاشرتی و تربیتی اعضای خانواده باید با همدیگر، اولاً، بخت مشترک داشته باشند، ثانیاً، باید در رفع مشکلات سوگیری موافق و هماهنگ داشته باشند؛ به عبارت دیگر باید همگام باشند و در یک جهت حرکت کنند. ثالثاً، افراد خانواده باید در زمینه حل این مشکلات باهم همدلی داشته باشند و بالاخره اعضای خانواده باید در زمینه رفع این مشکلات با همدیگر مشورت و هم‌فکری داشته باشند (چلبی، ۱۳۷۵).

الگوهای تربیتی والدین

الگوی تربیتی را می‌توان فرایند تقویت و حمایت از پیشرفت فیزیکی، عاطفی، اجتماعی و فکری فرزند از نوزادی تا بزرگسالی دانست. پرورش به جنبه‌های رشد و نمو و تربیت کودک منهای رابطه ژنتیکی با پدر و مادر توجه دارد. معمولاً والدین بیولوژیک وظیفه پرورش کودک را به



عهده دارند، علاوه بر این دولتها و انجمن‌ها نیز در این مورد نقش بازی می‌کنند، تعریف کرد (کوپنس و سیولمانس^۱، ۲۰۱۹: ۱۶۹).

بامریند^۲ (۱۹۹۱: ۶۵) در توصیف سبکهای فرزندپروری به دو بعد اساسی محبت و کنترل اشاره دارد. منظور از بعد محبت، صمیمیت و میزان پذیرش نیازهای فرزندان از سوی والدین و منظور از بعد کنترل میدان تسلط والدین می‌باشد. شیفر^۳ (۱۹۶۵: ۴۲۰) نیز از جمله کسانی است که در زمینه-ی سبک‌های فرزندپروری پژوهش‌هایی انجام داده است. و طبقه‌بندی بر اساس دو جنبه‌ی رفتار والدین یعنی آزادی- کنترل (سهل‌گیری در مقابل سخت‌گیری) و گرمی- سردی (پذیرش در مقابل طرد) ارائه نمود. همچنین مک‌وی و مارتین^۴ (۱۹۸۳)، به نقل از ماتنا، لویز و گوورن^۵ (۲۰۱۲) و دارلینگ و اشتاین برگ^۶ (۱۹۹۳) بر دو بعد، پذیرش- پاسخگویی و درخواست- کنترل تأکید دارند و بر اساس این دو بعد چهار سبک فرزندپروری را مطرح می‌کنند که عبارتند از: مقتدر، مستبد (سلطه‌جو)، سهل‌گیر و غفلت‌گرا. والدین مقتدر، با این حال که به نیازهای فرزندان توجه دارند به بیان انتظارات و توقعات خویش و نیز کنترل و نظارت بر رفتار فرزندان می‌پردازند و قواعد و مقررات واقع‌بینانه در منزل اعمال می‌نمایند (واترمان و لف کوویرتر^۷، ۲۰۱۷). در این گونه خانواده‌ها هم محبت و هم کنترل در سطح بالایی است (کوپنس و سیولمانس، ۲۰۱۹، ۱۷۲). والدین مستبد، پذیرای نیازهای فرزندان نیستند و بر اطاعت بی‌چون و چرا از قوانین تأکید دارند. در اینگونه خانواده‌ها محبت پایین و کنترل در سطح بالایی است. والدین سهل‌گیر بر عکس والدین مستبد هستند. بدین معنی که محبت زیاد و کنترل کمی را اعمال می‌کنند (دارلینگ و اشتاین برگ، ۱۹۹۳). والدین غفلت‌گرا دارای کنترل- درخواست گری و پذیرش- پاسخگویی پایین می‌باشند. این والدین، درگیر تربیت فرزندان نیستند و آنقدر در مشکلات خود غرق هستند که نمی‌توانند، انرژی کافی را برای تعیین و اجرای قوانین بگذارند (هولت^۸، ۲۰۱۴).

روش

پژوهش حاضر، توصیفی و از نوع همبستگی است. این پژوهش از نظر هدف تحقیق، آینده‌نگر و کاربردی^۹ و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی- مقطعی^{۱۰} و از نوع همبستگی است.

1 Kuppens, & Ceulemans

2 Baumrind

3 Schaefer

4 Maccoby, & Martin

5 Mattanah, Lopez & Govern

6 Darling & Steinberg

7 Waterman & Lefkowitz

8 Holt

9 Practical Research

10 Cross-sectional



جامعه آماری این پژوهش را کلیه کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۸ ساله استان لرستان در سال ۱۴۰۰ تشکیل می دادند. نمونه پژوهش شامل ۴۵۰ نفر از کودکان و نوجوانان استان لرستان بود که به روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شدند. بدین صورت که در ابتدا استان لرستان با پنج نقطه (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) تقسیم شد، در ادامه از هر جهت جغرافیایی با توجه به مقطع تحصیلی (ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم) یک مدرسه انتخاب شد. بدین صورت مدارس انتخاب شده برای هر مقطع ۵ مدرسه و از هر مدرسه با توجه به مقطع تحصیلی ۱۵۰ نفر با توجه به ملاک های ورود و خروج انتخاب شدند. ملاک های ورود به پژوهش، دامنه سنی ۹ تا ۱۸ سال، امضاء رضایت آگاهانه شرکت در پژوهش توسط والدین، برخورداری از سلامت جسمانی و روانشناختی با توجه به پرونده الکترونیک دانش آموزان بود. ملاک های خروج از مطالعه نیز با هم زندگی نکردن والدین (طلاق یا فوت والد)، عدم تکمیل کامل سئوالات پرسشنامه های خود گزارشی، ابتلای والدین یا یکی از آن ها به بیماری های مزمن (پزشکی روان پزشکی) بود. در خصوص انتخاب ۱۵۰ نفر نمونه برای هر مقطع تحصیلی باید اشاره کرد از آنجایی که در تحقیقات همبستگی حداقل حجم نمونه ۳۰ تا ۵۰ نفر برآورد شده است (دلاور، ۱۳۹۳) در این پژوهش با توجه به این قاعده برای هر زیرگروه ۱۵۰ نفر انتخاب شد.

مقیاس فرزندپروری ادراک شده گرولینک و همکاران (۱۹۹۱)، این پرسشنامه توسط گرولینک، رایان و دسی^۱ (۱۹۹۱) تدوین شده است. این مقیاس دارای دو نسخه کودکان و دانشجویان کالج است. در این پژوهش از نسخه ۲۲ سؤالی کودکان استفاده شد که دارای ۲۲ گویه، ۱۱ گویه برای مادر و ۱۱ گویه برای پدر دارد (گویه ها در دو نیمه برای مادر و پدر تکرار شده اند) که ۴ خرده مقیاس را می سنجد. خرده مقیاس های اشتغال مادر به فرزند^۲ (سؤالات ۱، ۳، ۵، ۹ و ۱۱)، حمایت از خودمختاری از جانب مادر^۳ (سؤالات ۲، ۴، ۶، ۷، ۸ و ۱۰)، اشتغال پدر به فرزند^۴ (سؤالات ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۲۰ و ۲۲)، حمایت از خودمختاری فرزند از جانب پدر^۵ (سؤالات ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۱) می باشد. سؤالات ۱، ۴، ۷، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۵، ۱۸، ۲۰ و ۲۱ را در یک طیف چهار درجه ای از ۱ تا ۴ نمره گذاری کنید و در ادامه سؤالات ۲، ۳، ۵، ۶، ۸، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷ و ۱۹ را در یک طیف از چهار به یک نمره گذاری کنید. پایایی این مقیاس در یک نمونه ۵۵۹ نفری از کودکان در دامنه ۰/۶۷ تا ۰/۷۰ قرار داشت. ضریب آلفای کرونباخ (و ضریب همبستگی درون موردی) در پژوهش گرولینک و همکاران (۱۹۹۱) برای حمایت از خودمختاری فرزند از جانب مادر ۰/۷۰ (و

 فصلنامه
پژوهش های
شناختی و تربیتی

1 Grolnick, Ryan, & Deci
2 Mother Involvement
3 Mother Autonomy Support
4 Father Involvement
5 Father Autonomy Support



۰/۶۷)، اشتغال مادر به فرزند ۰/۶۶ و (۰/۵۸)، حمایت از خودمختاری فرزند از جانب پدر ۰/۶۶ و (۰/۵۵) و اشتغال پدر به فرزند ۰/۶۶ و (۰/۶۷) می‌باشد. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای حمایت از خودمختاری فرزند از جانب مادر ۰/۷۴، اشتغال مادر به فرزند ۰/۷۲، حمایت از خودمختاری فرزند ۰/۷۰ و اشتغال پدر به فرزند ۰/۷۴ به دست آمد.

فرم کوتاه پرسش نامه ترومای دوران کودکی^۱ (CTQ): به وسیله برنشتاین^۲ و همکاران در سال ۱۹۹۴ طراحی شد و در سال ۱۹۹۵ نسخه دوم ۵۳ گویه ای آن ارائه و در نهایت در سال ۱۹۹۸ نسخه نهایی ۳۴ گویه ای تنظیم شد. فرم کوتاه پرسشنامه ترومای کودکی ۲۵ ماده دارد که برای دامنه سنی ۱۲ و بالاتر قابل اجرا است و پنج حوزه‌ی آسیب‌زا را به ترتیب زیر پوشش می‌دهد: سوء استفاده فیزیکی (ماده‌های ۲، ۹، ۱۰، ۱۲ و ۱۳)، سوء استفاده جنسی (ماده‌های ۱۶، ۲۲، ۲۳، ۲۴ و ۱۷)، سوء استفاده هیجانی (ماده‌های ۴، ۱۱، ۱۹، ۲۰ و ۲۱)، غفلت فیزیکی (ماده‌های ۱، ۳، ۵، ۸ و ۱۵) و غفلت هیجانی (ماده‌های ۶، ۷، ۱۴، ۱۸ و ۲۵). این مقیاس در طیف ۵ درجه‌ای لیکرت (هرگز = ۱ تا همیشه = ۵) نمره گذاری می‌شود. دامنه‌ی نمرات برای هر کدام از زیر مقیاس‌ها از ۵ تا ۲۵ و برای کل پرسشنامه ۲۵ تا ۱۲۵ می‌باشد. پایایی این آزمون به دو روش آزمون-بازآزمون و آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۷۹ تا ۰/۹۴ قرار دارد. همچنین روایی همزمان آن با درجه‌بندی درمانگران از میزان ترومای کودکی در دامنه ۰/۵۹ تا ۰/۷۸ گزارش شده است (برنشتاین و همکاران، ۲۰۰۳). پایایی^۳ CTQ به دو روش آزمون-بازآزمون^۴ و آلفای کرونباخ^۵ توسط روی^۶ (۲۰۱۱) در دامنه ۰/۷۹ تا ۰/۹۴ گزارش شده است. در ایران نیز ابراهیمی، دژکام و ثقه‌الاسلام (۱۳۹۲) آلفای کرونباخ را برای فرم کوتاه از ۰/۸۱ تا ۰/۹۸ برآورد کرده‌اند.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

میانگین سنی دانش آموزان مقطع ابتدایی شرکت کننده در پژوهش ۱۱/۴۱ و انحراف استاندارد آن ۲/۲۴ می‌باشد. میانگین سنی دانش آموزان مقطع متوسطه دوم ۱۵/۳۶ و انحراف استاندارد آن ۲/۲۴ و میانگین سنی دانش آموزان مقطع متوسطه دوم ۱۶/۸۹ و انحراف استاندارد آن ۲/۲۶ بود.

1 Childhood Trauma Questionnaire

2 Bernstein

3 reliability

4 test retest

5 Cronbach α

6 Roy



جدول ۱. توزیع میانگین، انحراف استاندارد، کمینه و بیشینه متغیرهای پژوهش بر حسب گروه

متغیر	M	SD	گالموکروف اسمیرنوف	df	P
اشتغال مادر به فرزند	۱۲/۱۶	۲/۳۶	۰/۱۲۲	۴۵۰	۰/۱۶۳
حمایت از خودمختاری از جانب مادر	۱۵/۱۲	۳/۴۱	۰/۱۹۴	۴۵۰	۰/۲۰۰
اشتغال پدر به فرزند	۱۱/۱۴	۲/۴۱	۰/۲۴۷	۴۵۰	۰/۲۰۰
حمایت از خودمختاری از جانب پدر	۱۵/۲۶	۳/۳۳	۰/۱۳۱	۴۵۰	۰/۲۰۰
نمره کل ادراک فرزندپروری	۵۳/۶۸	۹/۴۵	۰/۱۵۱	۴۵۰	۰/۲۰۰
سوء استفاده فیزیکی	۱۳/۳۶	۳/۳۶	۰/۱۲۸	۴۵۰	۰/۲۰۰
سوء استفاده جنسی	۱۱/۴۱	۲/۲۴	۰/۰۸۸	۴۵۰	۰/۲۰۰
سوء استفاده هیجانی	۱۳/۴۱	۳/۵۵	۰/۱۳۲	۴۵۰	۰/۰۳۹
غفلت فیزیکی	۱۵/۳۶	۴/۴۱	۰/۱۲۴	۴۵۰	۰/۲۰۰
غفلت هیجانی	۱۲/۴۷	۲/۳۶	۰/۱۱۹	۴۵۰	۰/۰۸۵
نمره کل	۶۶/۰۱	۷/۱۶	۰/۱۳۴	۴۵۰	۰/۱۲۰

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود میانگین (و انحراف استاندارد) متغیرهای پژوهش آورده شده است. با توجه به جدول ۱ میانگین نمره کل ادراک فرزندپروری دانش‌آموزان ۵۳/۶۸ (و ۹/۴۵) و نمره کل بزهکاری ۶۶/۰۱ (و ۷/۱۶) می‌باشد. همان‌طور که مندرجات جدول ۱ نشان می‌دهد می‌شود نتایج آزمون گالموکروف اسمیرنوف نشان می‌دهد که فرض صفر، برای نرمال بودن توزیع نمرات ادراک والدگری (الگوی تربیتی) در تمام خرده مقیاس دارای توزیع نرمال است. قبل از اجرای ضریب همبستگی با توجه به اینکه بین میانگین نمرات سوء استفاده فیزیکی، جنسی، سوء استفاده هیجانی، غفلت فیزیکی و غفلت هیجانی با استفاده از تحلیل واریانس یک راهه^۱ در متن مانکو تفاوت معنی‌داری وجود نداشت تحلیل همبستگی بر روی نمرات انجام شد.

یافته‌های استنباطی

مفروضه خطی بودن با استفاده از نمودار پراکندگی بررسی شد. این مفروضه بیانگر این است که بین متغیرها باید روابط خطی وجود داشته باشد. منظور از خطی بودن این است که رابطه تک تک خرده مقیاس‌ها با مقیاس اصلی خطی (و نه انحنایی) باشد. از آنجا که برای تشخیص خطی بودن هیچ ملاک عددی ساده‌ای وجود ندارد، از روش ترسیم نمودار پراکندگی^۲ استفاده شد و نتایج حاکی از برقرار بودن این مفروضه بود. مفروضه

فصلنامه
پژوهش‌های
شناختی و تربیتی

1 One Way Anova
2 scatter plot



استقلال خطاها با استفاده از آزمون دوربین-واتسون^۱ بررسی شد. آماره دوربین-واتسون یک آماره آزمون می‌باشد که برای بررسی وجود خود همبستگی بین باقیمانده‌ها در تحلیل رگرسیون استفاده می‌گردد. مقدار این آماره برای متغیر الگوی تربیتی ۱/۹۶۹ و برای جرائم جنسی ۱/۷۹۶ بود که نشان دهنده رعایت استقلال خطاهاست. داده‌های پرت با استفاده از نمودار باکس ویسکر^۲ (جعبه‌ای) بررسی شد از آنجا که داده‌های آزمودنی-های ۷۹، ۱۱۴، ۲۶۳، ۲۸۷ و ۴۱۲ در کرانه پایین و داده‌های آزمودنی ۴۷ و ۳۶۹ در کرانه بالا بودن از پژوهش حذف و تحلیل نهایی بر روی ۴۴۲ نفر انجام شد.

جدول ۲. ماتریس ضریب همبستگی متغیرهای الگوی تربیتی با جرائم جنسی

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
اشتغال مادر به فرزند	۱								
حمایت از خودمختاری مادر	**۰/۴۸	۱							
اشتغال پدر به فرزند	**۰/۴۴	**۰/۴۰	۱						
حمایت از خودمختاری پدر	**۰/۵۸	**۰/۴۱	**۰/۴۷	۱					
نمره کل ادراک فرزندپروری	**۰/۶۳	**۰/۴۴	**۰/۴۵	**۰/۴۵	۱				
سوء استفاده فیزیکی	-۰/۳۲	-۰/۳۷	-۰/۳۲	-۰/۳۲	-۰/۴۱	۱			
سوء استفاده جنسی	-۰/۴۱	-۰/۳۲	-۰/۳۷	-۰/۳۹	-۰/۴۳	**۰/۴۴	۱		
سوء استفاده هیجانی	-۰/۲۹	-۰/۳۸	-۰/۴۱	-۰/۴۰	-۰/۳۹	**۰/۴۱	**۰/۵۳	۱	
غفلت فیزیکی	-۰/۳۴	-۰/۴۱	-۰/۲۸	-۰/۳۶	-۰/۴۱	**۰/۵۵	**۰/۴۷	**۰/۴۷	۱
غفلت هیجانی	-۰/۳۶	-۰/۳۶	-۰/۳۶	-۰/۲۹	-۰/۳۳	**۰/۴۰	**۰/۴۱	**۰/۴۷	**۰/۴۵
نمره کل	-۰/۳۷	-۰/۳۴	-۰/۴۲	-۰/۳۹	-۰/۳۷	**۰/۵۲	**۰/۴۹	**۰/۵۵	**۰/۴۱

1 Durbin-Watson

2 Box & Whisker



همان طور که در جدول ۲ مشاهده می شود، مقادیر ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش الگوهای تربیتی به همراه مؤلفه ها آن با جرائم جنسی، در سطوح $P < 0/001$ و $P < 0/05$ آورده شده است و اکثر آن ها معنی دار می باشند. روابط معنی دار نیز با علامت * (در سطح $0/05$) و ** (در سطح $0/001$) مشخص شده اند. همانطور که در جدول مشاهده می شود رابطه بین مؤلفه های الگوهای تربیتی با جرائم جنسی کودکان و نوجوانان در تمامی مؤلفه ها رابطه منفی و معنی دار است.

جدول ۳. خلاصه مدل رگرسیونی به همراه ضریب آن در متغیرهای الگوی تربیتی با جرائم جنسی

متغیر	R	R ²	Rdj	SD	دوربین - واتسون
خودمختاری از طرف مادر	۰/۳۲۶	۰/۱۰۶	۰/۳۲۰	۴/۱۸	۱/۷۵۹
خودمختاری از جانب پدر	۰/۳۹۸	۰/۱۵۸	۰/۳۸۷	۴/۰۷	
اشتغال مادر به فرزند	۰/۴۹۰	۰/۲۴۰	۰/۳۸۹	۵/۶۴	
مدل	مدل	SS	DF	MS	F (P)
رگرسیون	۱۱۶۷/۱۴۵	۳	۳۸۹/۰۴۸	۲۲/۹۹۲ ($\leq 0/001$)	ANOVA
باقیمانده	۷۴۱۱/۴۱۷	۴۳۸	۱۶/۹۲۱		
کل	۸۵۷۸/۵۶۲	۴۴۱	-		

همانگونه که در جدول ۳ نشان داده شده است پس از اجرای رگرسیون چند گانه، مقدار R^2 به دست آمده نشان داد که ۲۴ درصد از واریانس کل جرائم جنسی توسط الگوهای تربیتی وارد شده در مدل، تبیین شده است. تحلیل واریانس^۱ روی همین مدل نیز حاکی از معنی داری مدل کلی بود: ($F_{(3, 438)} = 22/992, P \leq 0/001$). مقدار دوربین - واتسون نیز برابر با ۱/۷۵۹ است که بیان کننده استقلال متغیرها از یکدیگر هستند.

فصلنامه
پژوهش های
شناختی و تربیتی

1 Analysis of variance (ANOVA)



جدول ۴. نتایج رگرسیون گام به گام در مورد متغیرهای الگوی تربیتی با جرائم جنسی

ضرایب استاندارد شده				ضرایب استاندارد نشده			
VIF	آماره تحمل	P	t	β	Std	B	متغیرهای پیش‌بین
-	-	$P \leq 0/001$	۶/۳۱۴	-	۱/۲۴۷	۷/۸۷۴	عدد ثابت
۰/۷۴۱	۰/۵۶۱	$P \leq 0/001$	-۷/۶۹۰	-۰/۳۵۴	۰/۰۵۵	-۰/۴۲۳	خودمختاری از طرف مادر
۰/۵۸۴	۰/۴۵۱	$P \leq 0/001$	-۷/۳۸۴	-۰/۳۲۱	۰/۰۵۲	-۰/۳۸۴	خودمختاری از جانب پدر
۰/۶۱۲	۰/۳۶۹	$P \leq 0/001$	-۷/۴۵۶	-۰/۴۱۸	۰/۰۵۷	-۰/۴۲۵	اشتغال مادر به فرزند

برای تعیین تأثیر هر یک از مؤلفه‌های الگوهای تربیتی به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و جرائم جنسی به‌عنوان متغیر ملاک، با تحلیل رگرسیون چند متغیری به روش گام به گام تحلیل شدند. نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که وقتی مؤلفه‌های خودمختاری از طرف مادر وارد مدل شدند، مدل کلی ۱۰ درصد واریانس متغیر جرائم جنسی را تبیین کرد. با توجه به مقادیر بتا خودمختاری از طرف مادر با مقادیر بتا $(\beta = -0/354)$ ، خودمختاری از جانب پدر $(\beta = -0/321)$ و اشتغال مادر به فرزند $(\beta = -0/418)$ به‌عنوان قوی‌ترین متغیرها برای پیش‌بینی پیشگیرانه از جرائم جنسی می‌باشند. همچنین با توجه به نتایج جدول ۴ که نشان می‌دهد مقادیر آماره تحمل برای همه متغیرهای پیش-بین پژوهش از ۰/۱ بزرگتر و مقادیر آماره عامل افزایش واریانس نیز برای همه آن‌ها از ۱۰ کوچکتر می‌باشد. بنابراین مطابق با معیارهای دیدگاه کوردون (۲۰۱۲) در این پژوهش هم‌خطی چند گانه مشاهده نشد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر نقش الگوهای تربیتی در پیشگیری از کودک‌آزاری بود. نتایج ضریب همبستگی نشان داد که بین الگوی تربیتی با مؤلفه‌های کودک‌آزاری رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. این نتایج با مطالعات دیگر برای مثال (ژیونگ و همکاران، ۲۰۲۰؛ همرنگ گلبو و همکاران، ۱۳۹۹؛ رودریگز و همکاران، ۲۰۱۹؛ پارسانا و همکاران، ۲۰۱۸؛ میرخلیلی و همکاران، ۱۳۹۷ و وزینا و همکاران، ۲۰۱۵) همخوانی دارد.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت، خانواده نیز مانند سایر نهادهای جامعه، در طول تاریخ دچار دگرگونی‌های ژرفی شده است. ورود صنعت و پیشرفت فناوری و فرایندهای ناشی از آن را می‌توان یکی از علل اساسی تغییر در ساخت و کارکرد خانواده مطرح کرد. از این رو، پیامد ورود صنعت و فناوری و به همراه آن فرهنگ غرب به ایران را می‌توان: رواج شهرنشینی، گسترش



آموز همگانی، الکترونیکی شدن خدمات و جز آن عنوان کرد، طوری که این امر می‌تواند آثار منفی بر نظارت و تربیت فرزندان داشته باشد. برخی پژوهشگران نیز میزان نظارت پدر و مادر را با متغیرهای گوناگون بررسی کرده‌اند و نتایج آنها نشان داده است که به‌طور کلی، هرچه میزان آگاهی پدر و مادر به دلایل شغلی، تحصیلی و دیگر متغیرها مانند مهارت در رایانه و اینترنت از فضای مجازی و آسیب‌های آن، بیشتر باشد، رفتارهای مداخله‌گرانه بیشتری را در شیوه نظارت خود نشان می‌دهند. بنابراین با توجه به نظریه هیرشی -یکی از جرم‌شناسان معروف- می‌توان گفت با توجه به تغییر ساختار خانواده، عدم آموزش والدین و نبود چهار عامل عقیده یا باور، وابستگی و تعلق، تعهد و مشغولیت، زمانی که در خانواده کاهش پیدا کند زمینه برای آسیب‌پذیری در برابر کودک آزاری فراهم می‌شود. بنابراین فقدان وابستگی و عدم آموزش مهارت‌های الگوهای تربیتی درست و ترویج الگوی تربیتی ایرانی -اسلامی، نبود ساختار یا فقدان ساختار و مشغولیت در کودکان و نوجوانان، تعارضات والد-فرزند، اثرات و نفوذ کلام همسالان و مسئولیت‌گریزی زمانی که با نداشتن مهارت از سوی کودک و نوجوان همراه باشد می‌تواند زمینه را برای جرائم جنسی توسط افرادی که حداقل با کودک و نوجوان ۵ سال فاصله سنی داشته باشند فراهم می‌کند.

در تبیین دیگر نیز می‌توان بیان کرد، با توجه به فشارهای گوناگون و معضلات اجتماعی که ممکن است برای کودک و نوجوان ایجاد شود، مانند اعمال خشونت نسبت به آنان، اعتیاد والدین و شرایط سخت زندگی و جز آن فرار از خانه را به ماندن در آن شرایط سخت ترجیح می‌دهند و همین عامل باعث می‌شود آسیب‌پذیری آن‌ها برای آزاردیدگی بیشتر شود. در واقع زمانی که خانواده نقش و کارکرد خود را برای اجابت انتظارات و توقعات اعضایش از دست می‌دهد و در امر نظارت بر رفتار اعضای خود ناتوان می‌شود، خانواده به اصطلاح «از هم گسیخته» محسوب می‌شود. در چنین خانواده‌هایی زمینه سوء استفاده از کودکان به وجود می‌آید و در اثر طردشدن فرد از محیط خانواده و اجتماع، فرد دچار نوعی آشفتگی در هویت و احساس طردشدگی از جامعه می‌شود که خود باعث ارتکاب جرایم و برهم خوردن امنیت اجتماعی است. در واقع، می‌توان علت آزاردیدگی اطفال و نوجوانان را در ازهم پاشیدگی خانواده‌ها، کم‌رنج شدن میزان باورها و اعتقادات اخلاقی و جز آن جستجو کرد (میرخلیلی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۲۴).

از سوی دیگر، خانواده به عنوان اولین و مهمترین کانون رشد و تربیت نوجوانان، اهمیت فوق العاده‌ای در شکل‌گیری و تکامل شناختی، هیجانی و رفتاری دارد. در این دوره، نوجوانان نیازهای گوناگونی از قبیل کسب هویت، درک ارزش وجودی خویش، خودآگاهی، استقلال عاطفی از خانواده، برقراری روابط سالم با دیگران و کسب مهارت‌های لازم در دوست‌یابی را دارند. تأمین این گونه نیازها در محیط خانوادگی گرم و ارضاء‌کننده صورت می‌گیرد. در تحقیقی که توسط



مک کارتی، هاگان و مارتین (۲۰۰۶: ۸۳۶) صورت گرفت، وضعیت نابسامان خانواده یکی از دلایل اساسی فرار از خانه و به تبع آن تن دادن به روسپیگری، آزار جنسی به حساب می آید. لریا و همکاران (۲۰۱۳: ۱۰۹۵) انسجام خانواده را به عنوان یکی از عوامل منجر به سلامت روحی- روانی کودکان معرفی کرده اند. پژوهش ها بر وجود رابطه منفی بین انسجام خانواده و اضطراب، افسردگی، خودکشی، فرار از منزل، آزار دیدگی جنسی، بزهکاری و نشانه های جسمانی فرزندان (ویگند- گریف، سیل، فیلتر و پلاس چریستل، ۲۰۱۹: ۱۲۷۴) و رابطه مثبت آن با سلامت جسم و روان (کیم و همکاران، ۲۰۱۹: ۲۲) انطباق و سازگاری، عزت نفس، حل مساله (لو و همکاران، ۲۰۱۸: ۲۳) تأکید دارند.

در تبیین دیگر این نتایج می توان گفت، تجارب اولیه کودک، به خصوص آن هایی که مرتبط با احساسات تهدید یا امنیت هستند، نقش مهمی در رشد اجتماعی و هیجانی بعدی دارد. در معرض تجربیات تهدید کننده اولیه قرار گرفتن، مانند سوء استفاده و بد رفتاری، غفلت، انتقاد و قلدری، با آسیب پذیری بیشتر آسیب شناختی روانی و ناسازگاری در بزرگسالی مرتبط است. برعکس تجارب امنیت و آرامش نه تنها با عدم تهدید بلکه همچنین با وجود علائم پیوند جویی مرتبط است (برای مثال اطمینان بخشی مجدد، گرمی، توجه و مراقبت و محبت) که می تواند برای تنظیم حالات عاطفی مهم باشد علاوه بر این در هنگام مواجهه با رویدادهای استرس آور، فراخوانی گرمی والدین، با توانایی خود اطمینان بخشی و خود آرام بخشی مرتبط است، همچنین این توانایی خود اطمینان بخشی مجدد به طور منفی با علائم افسردگی و به طور مثبت با پیامدهای بهداشت روان مثبت مرتبط است. بنابراین رفتار والدین می تواند بافت های محیطی اولیه مهمی را برای کیفیت رشد شناختی و هیجانی کودکان فراهم کند و همچنین می تواند منبع عمده پرضمانی در کودکی باشد. همچنین بر اساس مدل آسیب پذیری- استرس در آسیب شناسی روانی پژوهش های زیادی نقش عوامل مربوط به خانواده را به عنوان عامل زمینه ساز در آسیب پذیری فرد مورد بررسی قرار داده اند (بگیان کوله مرز، کرمی، مومنی و الهی، ۱۳۹۸: ۸۵).

پیشنهادات اجرایی برای دستگاه های دولتی و آموزشی

۱- در مراکز آموزشی با کمک روانشناس و مشاوره مدارس، آزمون های تشخیصی مانند تشخیص الگوهای تربیتی، عملکرد خانواده، روابط والد- فرزند بر روی فرزندان (برای نحوه ادراک) والدین انجام شود و در صورت معیوب بودن هر کدام از عوامل تحت آموزش های تخصصی قرار گیرند.



۲- با برگزاری کارگاه‌های آموزشی الگوهای دلبستگی، تربیتی، هویتی، آشنایی و نحوه تربیت جنسی و روابط والد-فرزند را به والدین آموزش داد تا بدین ترتیب از وقوع رفتارهای مرتبط با کودک آزاری جلوگیری کرد.

۳- برای پیشگیری از کودک آزاری در بین کودکان و نوجوانان عوامل فرهنگی مؤثر بر پیدایش و تداوم، مانند رسانه‌های گروهی، رادیو، تلویزیون و سینما آموزش‌های لازم متناسب با سطح تحول به صورت انیمیشن و برنامه‌های مهارتی عملیاتی شود.

۴- والدین و اعضای خانواده با صرف وقت و توجه بیش‌تر به نوجوانان از طریق توجه به موارد درسی، ارتباط با معلمان، نظارت بر دوستان و اختصاص وقت بیش‌تر برای تفریح فرزندان و حضور بیشتر در خانواده مانع مهمی برای روی آوردن نوجوانان به سمت بزه‌دیدگی باشند.

پیشنهادات اجرایی برای پلیس

۱. با تولید محتویات و بسته‌های آموزشی در کنار آموزش عمومی با پرداختن به علل و عوامل اثرگذار بر کودک آزاری دانش جامعه را افزایش دهیم.

۲. موضوع پیشگیری از کودک آزاری را به صورت گسترده در طرح‌های پژوهشی و تحقیقات مربوطه مدنظر قرار دهد.

۳. با سازمان‌ها، ادارات و ارگان‌های فرهنگی و آموزشی و بخصوص حوزه آموزش و پرورش تعاملات خود را در اجرای هرچه بهتر مسایل مربوط به آموزش و پیشگیری، بیشتر نماید.

سیاسگذاری

پژوهشگر، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارد.



منابع

- ابراهیمی، حجت‌الله؛ دژکام، محمود و ثقه‌الاسلام، طاهره. (۱۳۹۲). ترومای دوران کودکی و اقدام به خودکشی در بزرگسالی. *مجله روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی*، ۱۹ (۴)، ۲۷۵-۲۸۲.
<http://ijpcp.iums.ac.ir/article-1-2090-fa.html>
- آجیل‌چی، بیتا؛ برجعلی، احمد و و جان بزرگی، مسعود. (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش مهارت‌های والدگری در کاهش تنیدگی مادران. *فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی*، ۱ (۴)، ۱۷-۱.
<http://ensani.ir/fa/article/322865/>
- بگیان کوله مرز، محمدجواد؛ کرمی، جهانگیر؛ مومنی، خدامراد و الهی، عادل. (۱۳۹۸). نقش تجربه‌ی ترومای دوران کودکی، واکنش‌پذیری شناختی و درد ذهنی در اقدام کنندگان به خودکشی و افراد بهنجار. *اندیشه و رفتار در روانشناسی بالینی*، ۵۳ (۱۴)، ۷۷-۸۹.
<https://www.sid.ir/fA/Journal/ViewPaper.aspx?id=536253>
- دلاور، علی. (۱۳۹۳). روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی. چاپ چهل و یکم. نشر ویرایش.
- رشنو، عبدالله. (۱۴۰۰). بررسی فقهی و حقوقی جرم کودک آزاری. *همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران*.
<https://civilica.com/doc/1380263/>
- صابری، جواد؛ بهرامی‌پور، منصوره؛ قمرانی، امیر و یارمحمدیان، احمد. (۱۳۹۳). اثربخشی برنامه گروهی فرزندی‌پروری مثبت بر کاهش استرس والدگری مادران دارای کودکان مبتلا به اختلال اوتیسم. *فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۱۵ (۵۶)، ۷۷-۶۹.
http://jsr-p.khuisf.ac.ir/article_533919.html
- میرخلیلی، سید محمود؛ عسگری مروت، علی و واحدی، مسلم. (۱۳۹۷). عوامل حفظ و توسعه سرمایه اجتماعی خانواده در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان. *مدیریت سرمایه اجتماعی*، ۵ (۲)، ۲۳۱-۲۱۳.
- همرنگ گبلو، ایرج؛ قره داغی، علی و نعمتی، شهرز. (۱۳۹۹). مصادیق کودک‌آزاری از دیدگاه والدین: تحلیل محتوای کیفی. *نشریه پرستاری کودک*، ۶ (۳)، ۱۳-۲.
<https://www.sid.ir/fA/Journal/ViewPaper.aspx?id=576577>
- Barczyk, A. N., Duzinski, S. V., Rao, M., & Lawson, K. A. (2016). Thinking upstream: Mapping a pathway to end child maltreatment community report. *Austin TX: Dell Children's Trauma and Injury Research Center*, 1 – 44.
https://www.dellchildrens.net/wpcontent/uploads/sites/60/2016/06/summit_hyperlinks_high_res.
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance abuse. *Journal of Early Adolescence*, 11, 56–95.
<https://doi.org/10.1177/0272431691111004>
- Beato, A., Pereira, A. I., Barros, L., & Muris, P. (2016). The relationship between different parenting typologies in fathers and mothers and children's anxiety. *Journal of Child and Family Studies*, 25, 1691–1701.
<https://doi.org/10.1007/s10826-015-0337-x>
- Bernstein, D.P., Stein, J.A., Newcomb, M.D., Walker, E., Pogge, D., Ahluvalia, T., Stokes, J., Handelsman, L., Medrano, M., Desmonds, D., et al. (2003). Development and validation of a brief screening version of the Childhood Trauma Questionnaire. *Child Abuse and Neglect*, 27(2), 169-90.
[doi: 10.1016/s0145-2134\(02\)00541-0](https://doi.org/10.1016/s0145-2134(02)00541-0)



- Cetin, Z., Ozozen Danaci, M. (2016). A Multivariate Examination of the Child-Abuse Potential of Parents with Children Aged 0-6. *Eurasian Journal Education Resercher*, 16(66), 1-30.
doi: 10.14689/ejer.2016.66.4
- Daley, D., Bachmann, M., Bachmann, B. A., Pedigo, C., Bui, M. T., Coffman, J., (2016). Risk terrain modeling predicts child maltreatment. *Child Abuse & Neglect*, 62, 29-38.
<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/1077559518814364>
- Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: an integrative model. *Psychological Bulletin*, 113 (3), 487-496.
<https://psycnet.apa.org/record/1993-29246-001>
- Dulmus, Catherine N., & Rapp-Paglicci, Lisa A. (2005). Handbook of Preventive Interventions for Adults. *APA PsycInfo*, 2838-2843.
<https://psycnet.apa.org/record/2005-04997-000>
- Ghertner, R., Waters, A., Radel, L., Crouse, G., (2018). The role of substance use in child welfare caseloads. *Children and Youth Services Review*, 90, 83-93.
[10.1016/j.childyouth.2018.05.015](https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2018.05.015)
- Gordon, Rachel A. (2012). *Applied Statistics for the Social and Health Sciences*. Routledge. Edition 1st Edition. Imprint Routledge.
- Gracia E, Lopez-Quilez A, Marco M, & Lila M. (2017). Mapping child maltreatment risk: A 12-year spatio-temporal analysis of neighborhood influences. *International Journal of Health Geographics*, 16, 38-49.
https://www.academia.edu/48684856/Mapping_child_maltreatment_risk_a_12_year_spatio_temporal_analysis_of_neighborhood_influences
- Grolnick, W. S., Ryan, R. M., & Deci, E. L. (1991). The inner resources for school performance: Motivational mediators of children's perceptions of their parents. *Journal of Educational Psychology*, 83, 508-517.
[https://www.scrip.org/\(S\(351jmbntvnst1aadkposzje\)\)/reference/ReferencesPapers.aspx?ReferenceID=1672082](https://www.scrip.org/(S(351jmbntvnst1aadkposzje))/reference/ReferencesPapers.aspx?ReferenceID=1672082)
- Holt, L. (2014). Attitudes about help-seeking mediate the relation between parent attachment and academic adjustment in first-year college students. *Journal of College Student Development*, 55 (4), 418-423.
DOI: 10.1353/csd.2014.0039
- Kim, D. H., & Schneider, B. (2005). Alignment of Parental Support in Adolescents' Transition to Postsecondary Education Author(s). *Social Forces*, 84(2), 1181-1206.
DOI:10.1353/sof.2006.0012
- Kim, D. H., Kang, N. R., Kwack, Y. S. (2019). Differences in Parenting Stress, Parenting Attitudes, and Parents' Mental Health According to Parental Adult Attachment Style. *Soa Chongsonyon Chongsin Uihak*, 30(1), 17-25.
doi: 10.5765/jkacap.180014
- Kuppens, S. Ceulemans, E. (2019). Parenting Styles: A Closer Look at a Well-Known Concept. *Journal of Child and Family Studies*, 28, 168-181.
<https://doi.org/10.1007/s10826-018-1242-x>
- Lau, P., Hawes, D.J., Hunt, C., Frankland, A., Roberts, G., Wright, A., Costa, D.S., Mitchell, P.B. (2018). Family environment and psychopathology in offspring of parents with bipolar disorder. *Journal of Affective Disorders*, 226, 12-20.
<http://dx.doi.org/10.1016/j.jad.2017.09.010>
- Lereya, S.T.; Samara, M.; Wolke, D. (2013). Parenting behavior and the risk of becoming a victim and a bully/victim: A meta-analysis study. *Child Abuse & Neglect*, 37, 1091-1108.
<https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2013.03.001>



- Loewen, Olivia K; Maximova, Katerina; Ekwaru, John; Faught, Erin; Asbridge. - Mark; Ohinmaa, Arto; Veugelers, Paul. (2019). Lifestyle Behavior and Mental Health in Early Adolescence. *Pediatrics*, 143(5), 3 – 50.
<https://publications.aap.org/pediatrics/article/143/5/e20183307/77071/>
- Maccoby, E. E., & Martin, J. A. (1983). *Socialization in the context of the family: Parent-child interaction*. In P. H. Mussen (Series Ed.) & E. M. Hetherington (Vol. Ed.), *Handbook of Child Psychology: Vol. IV. Socialization, Personality and Social Development*. New York: Wiley.
- Mattanah, J. F., Lopez, F. G., Govern, J. M. (2011). The contributions of parental attachment bonds to college student development and adjustment: A meta-analytic review. *Journal of Counseling Psychology*, 58, 565-596.
<http://www.apa.org/publications>
- McCarthy, B.; Hagan, J. & Martin, M. J. (2006). In and out Harm's way: Violent and victimization and the social of fictive street families. *Criminology*, 40, 831-866.
<https://doi.org/10.1111/j.1745-9125.2002.tb00975.x>
- Morris, M. C., Marco, M., Bailey, B., Ruiz, E., Im, W., & Goodin, B. (2019). Opioid prescription rates and risk for substantiated child abuse and neglect: A Bayesian spatiotemporal analysis. *Drug and alcohol dependence*, 205, 107623.
<https://doi.org/10.1016/j.drugalcdep.2019.107623>
- Morris, M. C., Marco, M., Maguire-Jack, K., Kouros, C. D., Im, W., White, C., Bailey, B., Rao, U., & Garber, J. (2019). County-level socioeconomic and crime risk factors for substantiated child abuse and neglect. *Child abuse & neglect*, 90, 127-138.
<https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2019.02.004>
- Prasanna T. Dahake, Y. K., Dadpe, M., Kendre, S., Shep, S., Dhore, S., Reader. (2018). Impact of Child Abuse & Neglect on Children: A Review Article. *Journal of Dental Research*, 1 (1), 36-49.
<https://www.researchgate.net/publication/328382429/>
- Radford, L., Corral, S., Bradley, C., Fisher, H. L. (2013). The prevalence and impact of child maltreatment and other types of victimization in the UK: findings from a population survey of caregivers, children and young people and young adults. *Child Abuse Neglect*, 37(10), 801-13.
[doi: 10.1016/j.chiabu.2013.02.004](https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2013.02.004) [pmid: 2352296](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/2352296/)
- Rodríguez-Meirinhos, A., Vansteenkiste, M., Soenens, B., Oliva, A., Brenning, K., - Antolín-Suárez, L. (2019). When is Parental Monitoring Effective? A Person-centered Analysis of the Role of Autonomy-supportive and Psychologically Controlling Parenting in Referred and Non-Referred Adolescents. *Journal of youth and Adolescence*, 29, 1-7.
[DOI: 10.1007/s10964-019-01151-7](https://doi.org/10.1007/s10964-019-01151-7)
- Roy, A. (2011). Combination of family history of suicidal behavior and childhood trauma may represent correlate of increased suicide risk. *Journal of Affective Disorders*, 130(1-2), 205-8.
[doi: 10.1016/j.jad.2010.09.022](https://doi.org/10.1016/j.jad.2010.09.022)
- Sarwar, S. (2016). Influence of Parenting Style on Children's Behaviour. *Journal of Education and Educational Development*, 3(2), 222-249.
[DOI:10.22555/joee.v3i2.1036](https://doi.org/10.22555/joee.v3i2.1036)
- Schaefer, E. S. (1965). Children's reports of parental behavior: an inventory. *Child Development*, 36, 413-424. <https://doi.org/10.2307/1126465>
- Vezina, J., Herbert, M., Poulin, F. (2015). History of family violence childhood behavior problems and adolescent high risk behavior as predictor of girls repeated



patterns of dating victimization in two developmental periods. *Journal of Violence against Women*, 21(4), 435-459.

doi: [10.1177/1077801215570481](https://doi.org/10.1177/1077801215570481)

- Waterman, E. A., & Lefkowitz, E. S. (2017). Are mothers' and fathers' parenting characteristics associated with emerging adults' academic engagement?. *Journal of family issues*, 38(9), 1239–1261.

<https://doi.org/10.1177/0192513X16637101>

- Wiegand-Grefe, S., Sell, M., Filter, B., & Plass-Christl, A. (2019). Family Functioning and Psychological Health of Children with Mentally Ill Parents. *International journal of environmental research and public health*, 16(7), 1278.

<https://doi.org/10.3390/ijerph16071278>

- Xiong, R., Li, S., Xia, Y. (2020). A Longitudinal Study of Authoritative Parenting, Juvenile Delinquency and Crime Victimization among Chinese Adolescents. *Int J Environ Res Public Health*, 17(4), 1405.

doi: [10.3390/ijerph17041405](https://doi.org/10.3390/ijerph17041405)